

مجله پژوهش‌های حسابداری مالی
سال ششم، شماره سوم، شماره پیاپی (۲۱)، پاییز ۱۳۹۳
تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۹/۲۶
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۲۳
صص: ۹۹-۱۱۸

بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت گزارشگری مالی در طول چرخه عمر شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

پرویز پیری^{۱*}، حمزه دیدار^{*}، سیما خدایاریگانه^{***}

^{*} استادیار حسابداری، دانشگاه ارومیه

p.piri@urmia.ac.ir

^{**} استادیار حسابداری، دانشگاه ارومیه

h.didar@urmia.ac.ir

^{***} کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه ارومیه

s.yeganeh@urmia.ac.ir

چکیده

در پژوهش حاضر، تأثیر توانایی مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی در طول چرخه عمر شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی شد. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، نمونه آماری از جامعه مورد مطالعه در قلمرو زمانی ۱۰ ساله براساس صورت‌های مالی سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ شرکت‌های بورسی انتخاب شده است. پس از اخذ نمونه آماری و جمع‌آوری داده‌ها، متغیرهای مورد آزمون محاسبه و در نهایت، تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها به صورت داده‌های پانلی از طریق روش آماری رگرسیون خطی چندمتغیره انجام گرفت. در نهایت، نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد که در دوره رشد، توانایی مدیریتی تأثیر مستقیم معناداری بر روی کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران دارد. در عین حال، نتایج نشان داد که در دوره بلوغ و افول، توانایی‌های مدیریتی شرکت‌ها نمی‌تواند به افزایش کیفیت گزارشگری این شرکت‌ها منجر گردد. همچنین، نتایج نشان‌دهنده تأثیر مستقیم اندازه شرکت، حاشیه سود و صداقت مدیریت و تأثیر غیرمستقیم اهرم مالی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌هاست. **واژه‌های کلیدی:** توانایی مدیریتی، کیفیت گزارشگری مالی، چرخه عمر.

نقش اصلی گزارشگری مالی، انتقال اثربخش اطلاعات مالی به افراد برون‌سازمانی به روشی معتبر و به‌موقع است که یکی از اهداف عمده آن، فراهم ساختن اطلاعات لازم برای ارزیابی عملکرد و توان سودآوری بنگاه اقتصادی است. شرط لازم برای دستیابی به این هدف، ارائه اطلاعات مالی به نحوی است که ارزیابی عملکرد گذشته را ممکن سازد و در سنجش توان سودآوری و پیش‌بینی فعالیت‌های آتی بنگاه اقتصادی مؤثر واقع گردد [۲]. کیفیت گزارشگری مالی، ضوابطی است که اطلاعات مفید و سودمند را از سایر اطلاعات منفک کرده، سودمندی اطلاعات را افزایش می‌دهد [۹]. به‌موقع بودن گزارش‌های مالی، یکی از مهم‌ترین ارکان کیفیت ارائه اطلاعات مالی شرکت‌هاست؛ زیرا بهنگام بودن اطلاعات است که می‌تواند به استفاده بهتر و مفیدتر استفاده‌کنندگان اطلاعاتی منجر شود، که محصول نهایی سیستم حسابداری مخابره می‌کند.

از سوی دیگر، در جهان پرتلاطم امروزی که سازمان‌ها و جوامع با تحولات شگرف محیطی و تکنولوژی و به تبع آن تجارت جهانی و جهانی شدن روبه‌رو هستند، توان دستیابی به سطح مطلوب و مورد انتظاری از عملکرد در هاله‌ای از ابهام فرورفته است.

در این رهگذر آنچه می‌تواند حیات بالنده و رو به رشد سازمان‌ها را تضمین کند، وجود نظام مدیریتی مقتدر و کارآمد است. به عبارت دیگر، در صورت اقتدار و توانمندی رکن مدیریت سازمان است که می‌توان حسن عملکرد سازمان‌ها را در شرایط فعلی انتظار داشت [۵]. همچنین، طبق تئوری چرخه عمر، شرکت‌ها در مراحل مختلف چرخه عمر از نظر مالی و اقتصادی دارای نمودگرها و رفتارهای خاصی

هستند؛ بدین معنی که ویژگی‌های مالی و اقتصادی یک شرکت تحت تأثیر مرحله‌ای از چرخه عمر است که شرکت در آن قرار دارد. نتایج پژوهش‌های پیشین نیز بیانگر این است که واکنش و پاسخ بازارهای سرمایه به اطلاعات حسابداری در مراحل مختلف چرخه عمر تفاوت معناداری با هم دارند [۶].

نظر به این‌که بازارهای مالی در سال‌های اخیر توجه افراد زیادی را به خود جلب کرده است، بازار سرمایه نقش مهمی در تخصیص بهینه منابع اقتصادی جامعه دارد. از سویی دیگر، گزارشگری مالی با کیفیت بالا، اتخاذ تصمیمات آگاهانه‌تر سرمایه‌گذاران را تسهیل می‌کند و در هدایت این سرمایه‌ها به فرایند تخصیص بهینه منابع کمک می‌نماید. لذا در ارائه اطلاعات مالی به بازار سرمایه، اطلاعات مالی باید از کیفیت بالایی برخوردار باشند تا برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی مفید واقع شوند. از سوی دیگر، گزارشگری مالی با کیفیت می‌تواند متأثر از توانایی‌های مدیریتی شرکت‌ها باشد و از آنجایی که ممکن است شرکت‌ها و مدیران آن‌ها در چرخه‌های مختلف عمر به‌علت تفاوت در ویژگی‌های مالی و اقتصادی شرکت، دارای توانایی‌های مدیریتی متفاوت و در نهایت، کیفیت گزارشگری مالی متفاوت باشند، به نظر می‌رسد که بررسی تأثیر توانایی‌های مدیریتی شرکت‌ها بر روی کیفیت گزارشگری مالی این شرکت‌ها در چرخه‌های مختلف عمر، لازم و ضروری بوده و گامی مفید در جهت تکمیل ادبیات مربوط به این دو موضوع در محیط اقتصادی مربوط به بازار سرمایه ایران باشد. لذا با توجه به نتایج پژوهش‌های پیشین در خصوص ارتباط بین متغیرهای پژوهش حاضر و مطالب فوق، در پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال‌های اساسی هستیم که:

از منافع سهامداران جزء و تنظیم مقررات انتظامی حرفه حسابداری و حسابرسی، از جمله تدابیر اتخاذ شده برای جلب اعتماد عمومی بود [۱۰]. مبانی نظری حسابداری مالی به عنوان یک منشور، اهداف و مقاصد گزارشگری مالی، ویژگی‌های کیفی اطلاعات مالی و معیارهای شناخت و اندازه‌گیری در گزارش‌های مالی را تعیین می‌کند و به‌عنوان راهنمای تدوین استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی محسوب می‌شود؛ زیرا تدوین استانداردهای حسابداری بدون بهره‌مندی از مبانی نظری، در محیط پیچیده و چالش برانگیز امروز، بی‌محتوا، سلیقه‌ای، متناقض و غیرقابل دفاع خواهد بود. از زمان تدوین مبانی نظری گزارشگری مالی و استانداردهای حسابداری، پژوهش‌های متعددی درباره کیفیت اطلاعات مالی گزارش شده از طریق سیستم حسابداری انجام شده است. نتایج پژوهش‌های انجام شده توسط گلوستن و میلگرام (۱۹۸۵)، امیهود و مندلسون (۱۹۸۶)، دیاموند و ورکچیا (۱۹۹۱) و ایسلی و اوهارا (۲۰۰۳) نشان می‌دهد که افزایش کیفیت اطلاعات مالی به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و در نتیجه، کاهش هزینه حقوق صاحبان سهام منجر می‌شود (کوهن، ۲۰۰۴). همچنین، پژوهش‌های انجام شده توسط هیلی، هاتون و پالپو (۱۹۹۹) بیانگر آن است که بهبود کیفیت گزارشگری مالی موجب افزایش درجه نقدشوندگی سهام و بهبود عملکرد سهام می‌شود. ورکچیا و لئوز (۲۰۰۴) نشان دادند که کیفیت پایین گزارشگری مالی به ایجاد ریسک اطلاعات و افزایش هزینه سرمایه منجر می‌شود [۳].

از سویی دیگر، مدیران نمایندگانی هستند که از سوی مالکان واحدهای اقتصادی به‌منظور مدیریت منابع آن‌ها در جهت کسب حداکثر رفاه منصوب

۱- آیا در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت‌ها اعم از دوره رشد، بلوغ و افول، توانایی‌های مدیریتی و کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها تفاوت معناداری با هم دارند؟

۲- آیا در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت‌ها، توانایی مدیریتی می‌تواند بر روی کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر معناداری داشته باشد؟

مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش

بازار سرمایه به عنوان موتور محرکه اقتصاد بر محور اطلاعات قرار دارد. جریان درست اطلاعات در این بازار به اتخاذ تصمیمات صحیح و منطقی از سوی مشارکت‌کنندگان منجر می‌شود و در نهایت، توسعه اقتصادی و بهبود رفاه اجتماعی را به ارمغان می‌آورد. گزارش‌های مالی از مهم‌ترین منابع اطلاعاتی است که هدف آن‌ها، فراهم کردن اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است و بخش اعظمی از نیاز اطلاعاتی بازار سرمایه را تأمین می‌کند. متأسفانه، ورشکستگی شرکت‌های عظیم، نظیر: انرون، وردکام، آدلفی، سیستم گزارشگری مالی را با بحران مواجه کرد. سیستم گزارشگری مالی به علت خدشه‌دار شدن اعتبار آن، همواره در جلب اعتماد عمومی با بحران‌هایی مواجه شد. افزایش شمار تقلب‌ها که با ورشکستگی شرکت‌های بزرگ درهم آمیخته بود، نگرانی‌هایی را درباره کیفیت گزارش‌های مالی به همراه داشت. حرفه حسابداری و حسابرسی در راستای چاره‌جویی در این خصوص، به تدبیر راهکارهایی همت گمارد. تغییر رویکرد تدوین استانداردهای حسابداری از استانداردهای مبتنی بر قواعد به استانداردهای مبتنی بر اصول، تأکید بر استقلال حساب‌برسان و حاکمیت شرکتی برای حمایت

همکاران (۲۰۱۰) نشان دادند که مدیران منحصر به فرد ترجیحات (الویت‌ها) افشای مختلفی دارند [۸].
دایرنگ و همکاران (۲۰۱۰) نشان دادند که برخی از مدیران (مدیران خاص) موقعیت‌های مالیاتی تهاجمی بیشتری را به دلیل تحت تأثیر قرار دادن نرخ‌های مالیاتی مؤثر شرکت خود ایجاد می‌کنند [۱۸].

جی و همکاران در سال ۲۰۱۱ در مقاله‌ای با عنوان «تمرکز ویژه بر انتخاب‌های گزارش‌های مالی»، نشان دادند که سبک‌های فردی مدیران، جریان‌های نقدی حسابداری را تحت نفوذ خود قرار می‌دهند.

برخی از جریان‌های نقدی، تهاجمی‌تر از دیگران هستند و این بر سود گزارش شده شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد. بنابراین، کیفیت سود می‌تواند به دلیل جریان‌های نقدی منحصر به فرد به کار گرفته شده متفاوت باشد. دمرجیان و همکاران (۲۰۱۳) با بررسی بیشتر اثبات کردند که کیفیت سود به صورت مثبت با توانایی مدیریتی در ارتباط است. بنابراین، نه تنها مدیران منحصر به فرد بر گزارشگری مالی شرکت‌ها تأثیر می‌گذارند، بلکه این تأثیر سیستماتیک نیز هست.
دمرجیان و همکاران نتیجه گرفتند که مدیران بهتر نسبت به مدیران بدتر، قضاوت‌ها و برآوردهای بهتری را انجام می‌دهند [۱۶]. آندرتو و همکاران در سال ۲۰۱۳، رابطه بین توانایی‌های مدیریتی و عملکرد شرکت‌ها را در طول دوره بحران جهانی در سال ۲۰۰۸ بررسی کردند. نتایج گویای این است که رابطه بین توانایی و عملکرد شرکت کاملاً مثبت است.

در زمانی که توانایی امری کافی محسوب نمی‌شد، شرکت‌های دارای قابلیت و توانایی مدیریتی برتر، بیشترین سرمایه‌گذاری در طول دوره بحران را انجام دادند که نتیجه آن خلق سوددهی بالا و عرضه اوراق بهادار بیشتر بوده است. همچنین، توانایی مدیریتی

می‌شوند. این ارتباط بین مالکان و نمایندگان، رابطه نمایندگی نامیده می‌شود. به عبارت دیگر، رابطه نمایندگی قراردادی است که به موجب آن، افراد و گروه‌های مختلف، فرد یا گروهی را به عنوان مباشر یا نماینده خود انتخاب می‌کنند و او را در جایگاه مسؤول ارائه مجموعه‌ای از خدمات مشخص قرار می‌دهند. در راستای انجام وظایف نمایندگی، مدیران باید در مورد نحوه به‌کارگیری منابع اقتصادی تحت کنترل خود، در مقابل مالکان پاسخگو باشند که در این میان، گزارشگری مالی از ابزارهای مهم پاسخگویی محسوب می‌شود [۱۰].

اخیراً پژوهش‌های متعددی تأثیر مدیران خاص در شرکت‌ها را بررسی کرده‌اند. این پژوهش‌ها می‌کوشند تا تأثیر مدیران؛ به‌ویژه مدیران اجرایی را در شیوه‌های سازماندهی، سرمایه‌گذاری، حسابداری و مالی شرکت‌ها را درک کنند. لیوز و مک وی در سال ۲۰۱۲، چگونگی تأثیر توانایی مدیریتی بر تحریفات عمدی صورت‌های مالی (مدیریت سود) را بررسی کردند. آن‌ها دریافتند که به‌طور متوسط مدیران با توانایی بالاتر به احتمال بیشتری (کمتری) از مدیریت سودهای تعهدی (واقعی) استفاده می‌کنند. همچنین، آن‌ها دریافتند که پیامدهای منفی مدیریت سود در میان مدیران با توانایی بیشتر کاهش می‌یابد؛ به‌ویژه آن‌ها شواهدی مبنی بر این‌که مدیران توانمند، سود را با موفقیت بیشتری مدیریت می‌کنند، یافتند [۲۵].

در مدیریت مالی نیز تعداد زیادی از پژوهش‌ها، اهمیت مدیران در تصمیم‌گیری‌های گوناگون شرکت و عملکرد بعد از آن را اثبات می‌کنند (برای مثال، گراهام و همکاران ۲۰۱۱، جیان و لی ۲۰۱۱، ملمندیر و همکاران ۲۰۱۱، کاپلن و همکاران (۲۰۱۱)). بمبر و

گردش دارایی‌ها نسبت به سایر ویژگی‌ها از بیشترین اثر بر متغیرهای حسابداری در تشریح روند تدریجی قیمت سهام برخوردار است. در مرحله رشد و افول، ارزش دفتری هر سهم و جریان نقدی عملیاتی هر سهم ارتباط ارزشی یکسانی را نشان می‌دهند. برای مرحله بلوغ چرخه عمر، ارزش دفتری هر سهم نسبت به جریان نقدی عملیاتی هر سهم، ارزش مربوطتری را ارائه می‌کند. این نتیجه نشان‌دهنده روند قوسی متغیرهای حسابداری در مراحل چرخه عمر است [۴].

روش‌شناسی پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

۱. کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها در طول چرخه‌های عمر شرکت تفاوت معناداری با هم دارند.
۲. توانایی مدیریتی شرکت‌ها در طول چرخه‌های عمر شرکت تفاوت معناداری با هم دارند.
۳. در دوره رشد، توانایی مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر معناداری دارد.
- ۲-۱. در دوره بلوغ، توانایی مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر معناداری دارد.
- ۲-۲. در دوره افول، توانایی مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر معناداری دارد.

روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است؛ ولی از آنجایی که حجم جامعه آماری زیاد بوده و همچنین، وجود برخی ناهمگنی‌ها و عدم اطلاعات در دسترس در بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران موجب گردید تا از بین جامعه آماری نمونه‌ای انتخاب گردد. تعداد نمونه آماری شامل ۹۲ شرکت است، که از طریق نمونه‌گیری ساده با در

رابطه منفی با عدم تقارن اطلاعاتی دارد. در کل، نتایج بررسی‌ها نشان داد که توانایی مدیریتی، عملکرد شرکت را تقویت کرده، عدم سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد، سوددهی و ظرفیت استقراض را بهبود بخشیده، عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد [۲۴].

در خصوص چرخه عمر شرکت‌ها نیز پژوهش‌های متعددی در داخل و خارج از کشور انجام شده است. کرمی و عمرانی (۱۳۸۹)، تأثیر چرخه عمر شرکت بر میزان مربوط بودن معیارهای ریسک و بازده را بررسی کرده، نشان دادند که میزان مربوط بودن معیارهای ریسک و عملکرد و نیز توان توضیحی افزایش معیارهای ریسک در مراحل مختلف چرخه عمر (رشد، بلوغ، افول) تفاوت معناداری با یکدیگر دارند. نتایج حاصل از آزمون آماری نشان می‌دهد که توان توضیحی افزایش معیارهای ریسک در مرحله رشد، دارای بیشترین مقدار و در مرحله بلوغ دارای کمترین مقدار است.

آستا و قیطاسی (۱۳۹۱) اثر چرخه عمر واحد تجاری بر ارقام تعهدی اختیاری را بررسی کرده، نشان دادند که میزان استفاده از ارقام تعهدی اختیاری در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت‌ها متفاوت است؛ به طوری که میزان استفاده از ارقام تعهدی اختیاری در مرحله رشد، نسبت به مرحله بلوغ و افول بیشتر و میزان استفاده از این ارقام در مرحله بلوغ نسبت به مرحله افول کمتر است [۱].

رضایی و شفیع (۱۳۹۲) روند تدریجی رابطه متغیرهای حسابداری و قیمت سهام در چرخه عمر شرکت را بررسی کرده، نشان دادند که در بررسی ارتباط ارزشی متغیرهای حسابداری، ارزش دفتری هر سهم نسبت به جریان نقدی عملیاتی هر سهم ارزش مربوطتری دارد. همچنین، بازده شرکت و سرعت

صنعت که در نمونه بوده‌اند، به صورت صعودی مرتب می‌شوند.

۳. متغیرهای مرتب شده در مرحله قبلی را به پنجک‌های آماری تقسیم کرده و با توجه به جدول زیر به هر پنجک اعدادی بین ۱ تا ۵ داده می‌شود.

۴. در نهایت، برای هر سال - شرکت یک نمره مرکب به دست می‌آید که با توجه به شرایط زیر در یکی از مراحل رشد، بلوغ و افول قرار می‌گیرد:

الف) در صورتی که مجموع نمره‌ها بین ۱۶ و ۲۰ باشد، در مرحله رشد قرار دارد.

ب) در صورتی که مجموع نمره‌ها بین ۹ و ۱۵ باشد، در مرحله بلوغ قرار دارد.

ج) در صورتی که مجموع نمره‌ها بین ۴ و ۸ باشد، در مرحله افول قرار دارد.

شایان ذکر است که به خاطر غیربهره‌وری بودن شرکت‌های نوظهور و عدم معامله سهام این شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران، چرخه عمر به صورت سه مرحله‌ای، شامل: مراحل رشد، بلوغ و افول در نظر گرفته شده و از مرحله ظهور چشم پوشی شده است.

نگاره ۱. روش شناسی پارک و چن (پارک و چن، ۲۰۰۶)

چندک چندک	سن شرکت	رشد فروش	مخارج سرمایه‌ای	سود تقسیمی
چندک اول	۵	۱	۱	۵ (۱)
چندک دوم	۴	۲	۲	۴ (۲)
چندک سوم	۳	۳	۳	۳
چندک چهارم	۲	۴	۴	۲
چندک پنجم	۱	۵	۵	۱

شایان ذکر است که در شرکت‌های در مرحله رشد به علت وجود فرصت‌های رشد و سرمایه‌گذاری بالا در دارایی‌های سرمایه‌ای و در شرکت‌های در مرحله افول به علت مشکلات نقدینگی، میزان سود تقسیمی نسبتاً پایین است. از طرف دیگر، پایین بودن سود تقسیمی

نظر گرفتن شرط در دسترس بودن اطلاعات مالی برای دوره مورد آزمون، از بین شرکت‌های موجود در جامعه مورد مطالعه در دوره زمانی ۱۰ ساله بین سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ انتخاب شدند. نظر به این‌که این پژوهش به دنبال مطالعه تأثیر دو یا چند متغیر در جامعه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است، برای آزمون فرضیه‌ها از روش‌های آماری تجزیه واریانس یک‌طرفه، تحلیل همبستگی و رگرسیون خطی چند متغیره استفاده شده است.

متغیرهای پژوهش و نحوه محاسبه متغیرها

در پژوهش حاضر، توانایی مدیریتی شرکت‌ها به‌عنوان متغیر مستقل و کیفیت گزارشگری مالی به‌عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است، که در طی چرخه عمر شرکت‌ها اعم از دوره رشد، بلوغ و افول آزمون می‌شوند. همچنین متغیرهای اهرم مالی، اندازه شرکت، سرمایه‌بر بودن فعالیت شرکت، فرصت‌های رشد، حاشیه سودآوری، محافظه‌کاری مدیریت و صداقت مدیریت، به‌عنوان متغیرهای کنترلی استفاده شدند، که نحوه محاسبه هر یک از متغیرهای فوق در زیر تشریح می‌گردد:

نحوه طبقه‌بندی شرکت‌ها به مراحل چرخه عمر شرکت

در پژوهش حاضر، برای تفکیک شرکت‌ها به مراحل مختلف چرخه عمرشان، از مدل آنتونی و رامش (۱۹۹۲) استفاده شده است. نحوه تفکیک شرکت‌ها در این مدل به شرح زیر است:

۱. ابتدا مقادیر مربوط به متغیرهای رشد فروش، مخارج سرمایه‌ای، نسبت سود تقسیمی و سن شرکت به ترتیبی که بعداً تبیین می‌شود، محاسبه می‌شود.

۲. سپس متغیرهای محاسبه شده از طریق کم کردن از میانگین نمونه و تقسیم بر انحراف معیار آن استانداردسازی شده، به طور جداگانه، سال - شرکت‌های مربوط به هر

مالی شناسایی نمی‌گردد، لذا اثر آن از مدل حذف شده است. DEA یک مرز کارایی را برای شرکت‌ها فراهم می‌کند. اندازه کارایی (θ) که DEA تولید می‌کند، یک عدد بین صفر و یک است.

شرکت‌هایی با نمره کارایی یک، شرکت‌هایی هستند که بسیار کارا هستند و شرکت‌هایی که نمره کارایی آن‌ها کمتر از یک است، زیر مرز کارایی قرار دارند و باید با کاهش هزینه‌ها یا با افزایش درآمدها به مرز کارایی برسند. برای اندازه‌گیری کارایی شرکت‌ها از رابطه زیر که توسط دمیرجیان و همکاران طراحی شده، استفاده می‌شود: [۲۵].

$$max_{\theta} \theta = \frac{Sales}{\theta_1 COGS + \theta_2 SG\&A + \theta_3 PPE + \theta_4 OpsLease + \theta_5 R\&D + \theta_6 Goodwill + \theta_7 OtherIntan}$$

کارایی شرکت‌ها متأثر از دو عامل ویژگی‌های شرکتی و توانایی مدیران است. پس اندازه کارایی که با استفاده از رابطه بالا حاصل می‌شود، در برگرنده هر دو عامل ویژگی‌های شرکتی و توانایی مدیران شرکت‌هاست؛ ولی هدف پژوهش حاضر تنها بررسی تأثیر توانایی مدیران بر کیفیت گزارشگری مالی است. به همین علت، ابتدا از یک رگرسیون که ارتباط کارایی شرکت‌ها را با عوامل شرکتی نشان می‌دهد، استفاده می‌شود:

$$Firm\ Efficiency = \alpha_0 + \alpha_1 \ln(Total\ Assets) + \alpha_2 Market\ Share + \alpha_3 Positive\ Free\ Cash\ Flow + \alpha_4 \ln(Age) + \alpha_5 Foreign\ Currency\ Indicator + e$$

خطاهای باقیمانده حاصل از مدل، نشان‌دهنده امتیاز توانایی مدیران است (دمیرجیان، ۲۰۱۲). در رابطه بالا:

گویای آن است که شرکت در مرحله رشد یا افول قرار دارد. بنابراین، در صورتی‌که در هر شرکت مجموع نمره‌های سه متغیر رشد فروش، مخارج سرمایه‌ای و سن، کمتر از ۷ باشد و نمره سود تقسیمی ۴ (یا ۵) باشد، به جای آن از نمره ۲ (یا ۱) استفاده می‌کنیم [۶].

تعریف عملیاتی متغیرهای اشاره شده در جدول فوق به شرح زیر است:

$$SG_{it} = (S_{it} - S_{it-1}) / S_{it-1}$$

$$DPR_{it} = (DPS_{it}/EPS_{it}) * 100$$

$$CE_{it} = (ارزش\ بازار\ شرکت / اضافات\ (کاهش\ دارایی\ های) * 100) \text{ (ثابت طی دوره)}$$

SG: رشد فروش

EPS: سود هر سهم

DPS: سود تقسیمی هر سهم

S: درآمد فروش

CE: مخارج سرمایه‌ای

DPR: نسبت سود تقسیمی

AGE: تفاوت سال تأسیس شرکت و سال مورد نظر

اندازه‌گیری توانایی مدیریتی

متغیر مستقل این پژوهش، توانایی مدیران است. برای اندازه‌گیری توانایی مدیران از تحلیل پوششی داده‌ها (DEA)، طراحی شده توسط دمیرجیان (۲۰۱۳) استفاده می‌شود. متغیرهای ورودی این تحلیل عبارتند از: بهای تمام شده کالای فروش رفته، هزینه‌های عمومی اداری و خرید خالص، اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات، خالص اجاره‌های عملیاتی، خالص هزینه‌های تحقیق و توسعه، سرقفلی خریداری شده و سایر دارایی‌های نامشهود و متغیر خروجی پژوهش میزان فروش است. شایان ذکر است از آنجایی که هزینه‌های تحقیق و توسعه در صورت‌های

برای اندازه‌گیری میزان دقت اطلاعات مالی به صورت تجربی، از پسماندهای معادله رگرسیون پیش‌بینی جریان‌های نقدی آینده با استفاده از اجزای تشکیل دهنده سود عملیاتی حسابداری یک دوره قبل استفاده می‌گردد: [۱۱].

$$CFO_{i,t+1} = \alpha_0 + \beta_1 CFO_{i,t} + \beta_2 \Delta AR_{i,t} + \beta_3 \Delta INV_{i,t} + \beta_4 \Delta AP_{i,t} + \beta_5 DEPR_{i,t} + \beta_6 OTHER_{i,t} + \varepsilon_{i,t+1}$$

CFO = جریان نقدی حاصل از عملیات

ΔAP = تغییر در حساب‌های پرداختی و بدهی‌های

معوق

ΔAR = تغییر در حساب‌های دریافتی

DEPR = هزینه استهلاک دارایی‌های ثابت مشهود و

نامشهود

ΔINV = تغییر در موجودی‌ها

OTHER = خالص سایر اقلام تعهدی که به صورت

زیر محاسبه می‌شود:

$$OTHER = OP - (CFO + \Delta AR + \Delta INV - \Delta AP - DEPR)$$

OP = سود عملیاتی

ε : مقدار خطا که فرض می‌شود، دارای میانگین صفر

و واریانس ثابت باشد.

معیار تجربی اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی،

قدر مطلق پسماندها؛ یعنی $RES = |\varepsilon_{i,t+1}|$ است.

هر قدر پسماندها کوچکتر باشد، بیانگر دقت

اطلاعات مالی و کیفیت بالای گزارشگری مالی است.

نحوه محاسبه متغیرهای کنترلی

۱. اهرم مالی: در پژوهش حاضر برای محاسبه اهرم

مالی شرکت‌ها از نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها

استفاده می‌شود.

$$FL_{i,t} = TL_{i,t} / TA_{i,t}$$

TL: مجموع بدهی‌ها

TA: مجموع دارایی‌ها

Firm Efficiency: نشان‌دهنده کارایی شرکت است که با استفاده از رابطه تحلیل پوششی داده‌ها به دست می‌آید.

Total Assets: نشان‌دهنده جمع دارایی‌هاست که از صورت‌های مالی قابل استخراج است.

Market Share: نشان‌دهنده سهم بازار هر یک از شرکت‌هاست که با استفاده از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$Market Share = \frac{\text{مقدار فروش در پایان سال } t}{\text{جمع کل فروش صنعت در پایان سال } t}$$

Positive Free Cash Flow: نماد جریان‌های نقدی

آزاد مثبت است. اگر شرکتی جریان نقدی مثبت داشته

باشد، شاخص جریان‌های نقدی آزاد برابر یک و در

غیر این صورت برابر صفر خواهد بود. جریان‌های

نقدی آزاد به شرح زیر محاسبه می‌شود:

$$FCF = (OP - TAXP - CIP - DPP) \setminus TA$$

FCF: جریان‌های نقدی آزاد

CIP: هزینه بهره پرداختی

TAXP: مالیات پرداختی

OP: سود عملیاتی قبل از استهلاک

DPP: سودهای تقسیمی پرداختی

TA: جمع کل دارایی‌ها

Foreign Currency Indicator: نمایانگر ارزش خارجی

است. این متغیر دو وجهی بدین طریق اندازه‌گیری

می‌شود که اگر شرکت مورد نظر صادرات داشته

باشد، این متغیر برابر یک و در غیر این صورت برابر

صفر خواهد بود.

اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی

در پژوهش حاضر، دقت اطلاعات مالی به عنوان

معیار اندازه‌گیری کیفیت آن در نظر گرفته می‌شود.

ACC = جمع ارقام تعهدی

I = موجودی مواد و کالا

OACC = ارقام تعهدی عملیاتی

NI = سود خالص قبل از ارقام غیرمترقبه

AR = حساب‌های دریافتی

TP = مالیات‌های پرداختنی

DEP = هزینه استهلاک

P = پیش‌پرداخت‌ها

NOACC = ارقام تعهدی غیرعملیاتی

CFO = جریان نقدی عملیاتی

AP = حساب‌های پرداختنی

یافته‌های گیولی و هاین ناشی از آن بود که با گذشت هر سال، ارقام تعهدی غیرعملیاتی نسبت به سال قبل به صورت معنی‌دار منفی‌تر (کوچکتر) شده است. بنابراین، هرچه قدر ارقام تعهدی غیرعملیاتی (NOACC) کمتر باشد، محافظه‌کاری بالا خواهد بود.

آمار استنباطی

آزمون فرضیه اول و دوم

از آنجایی که در فرضیه اول و دوم، به مقایسه میانگین‌های چند جامعه (بیش از دو جامعه) پرداخته می‌شود، لذا برای مقایسه میانگین چند جامعه؛ یعنی تأثیر یک متغیر مستقل گروه‌بندی شده مثل چرخه‌های عمر شرکت‌ها (رشد، بلوغ و افول) بر یک متغیر کمی وابسته مثل کیفیت گزارشگری مالی یا توانایی مدیریتی، نمی‌توان از رگرسیون استفاده کرد و برای آزمون این فرضیه‌ها باید از آزمون مقایسه میانگین‌های چند جامعه (ANOVA) استفاده نمود. بنابراین، برای آزمون فرضیه اول و دوم از تجزیه واریانس یک‌طرفه استفاده شده که نتایج آزمون به شرح زیر است:

۲. اندازه شرکت: در پژوهش حاضر برای محاسبه اندازه شرکت از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت در پایان سال مالی استفاده خواهد شد.

$$SIZE_{j,t} = \log(ASSETBV_{j,t})$$

۳. سرمایه‌بر بودن فعالیت شرکت: در پژوهش حاضر میزان سرمایه‌بر بودن شرکت‌ها به شرح زیر محاسبه می‌گردد:

$$CAIN_{i,t} = NFA_{i,t} / TA_{i,t}$$

NFA: خالص دارایی‌های ثابت مشهود

TA: مجموع دارایی‌ها

۴. فرصت‌های رشد: در پژوهش حاضر برای اندازه‌گیری فرصت‌های رشد از مدل زیر استفاده می‌گردد:

$$GROP_{i,t} = Price_t / Eps_t$$

Price: قیمت بازار سهام

Eps: سود هر سهم

۵. حاشیه سودآوری: در پژوهش حاضر حاشیه سودآوری به شرح زیر محاسبه می‌گردد:

$$PROF_{i,t} = (SALE_{i,t} - COGS_{i,t}) / SALE_{i,t}$$

SALE: فروش

COGS: بهای تمام شده فروش

۶. محافظه‌کاری مدیریت: در پژوهش حاضر برای محاسبه محافظه‌کاری مدیریت از مدل گیولی و هاین (۲۰۰۷) استفاده شده است. گیولی و هاین با تکیه بر یک تعریف خاص، ارقام تعهدی غیرعملیاتی (اختیاری) را برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری به کار گرفتند. جمع ارقام تعهدی و ارقام تعهدی اختیاری (غیرعملیاتی) این‌گونه محاسبه می‌شود: [۱۰]

$$ACC_{it} = (NI_{it} + DEP_{it}) - CFO_{it}$$

$$OACC_{it} = \Delta (AR_{it} + I_{it} + P_{it}) - \Delta (AP_{it} + TP_{it})$$

$$NOACC_{it} = ACC_{it} - OACC_{it}$$

هم ندارند. به عبارتی دیگر، می‌توان بیان نمود که کیفیت گزارشگری مالی و توانایی مدیریتی در سه دوره عمر؛ یعنی دوره رشد، بلوغ و افول تفاوت معناداری با هم ندارند، بنابراین، فرضیه‌های ۱ و ۲ پژوهش مبنی بر تفاوت معنادار کیفیت گزارشگری مالی و توانایی مدیریتی در طی چرخه عمر شرکت‌ها پذیرفته نمی‌شود.

آزمون فرضیه سوم، چهارم و پنجم

برای آزمون فرضیه‌های اول، دوم و سوم از آزمون رگرسیون خطی چند متغیره استفاده خواهد شد. قبل از اجرای آزمون رگرسیون خطی چند متغیره باید یک‌سری پیش‌فرض‌هایی را مورد آزمون قرار داد که به شرح زیر است:

مفروضات مدل رگرسیون خطی

۱. آزمون ناهمسانی واریانس‌ها

نگاره ۷. آزمون ناهمسانی واریانس‌ها

آزمون	آماره آزمون	ضریب احتمال
آزمون F	۳۲۷۹/۴۷	۰/۰۰۰

با توجه به نتایج آزمون F و ضرایب احتمال آزمون فوق می‌توان بیان نمود از آنجایی که آماره آزمون از مقدار بحرانی (۰/۵) کوچک‌تر است، بنابراین، فرض صفر مبنی بر همسانی واریانس‌ها رد خواهد شد. به عبارت دیگر، در این حالت ناهمسانی واریانس‌ها وجود دارد. بنابراین، برای رفع ناهمسانی واریانس‌ها از آزمون حداقل مربعات تعمیم‌یافته تخمینی EGLS در مدل نهایی رگرسیون استفاده خواهد شد.

۲. آزمون خودهمبستگی

نگاره ۸. آزمون خودهمبستگی

آزمون	آماره آزمون	ضریب احتمال
آزمون F	۱۰/۷۹۵	۰/۰۰۰

در نگاره (۳)، با توجه به میزان sig که بزرگ‌تر از ۰/۰۵ سطح معناداری است، فرضیه H_0 مبنی بر تساوی میانگین‌های بین دو جامعه رد نمی‌شود. به عبارتی دیگر، تفاوت معناداری بین میانگین جوامع؛ یعنی کیفیت گزارشگری مالی و توانایی مدیریتی در طی چرخه عمر شرکت‌ها وجود ندارد. در ادامه، برای تأیید بیشتر نتایج آزمون تحلیل واریانس از آزمون پس از تجزیه LSD و Tukey برای نشان‌دادن تفاوت معنادار بین کیفیت گزارشگری مالی و توانایی مدیریتی در طی چرخه‌های عمر مختلف به صورت دو به دو استفاده گردید که نتایج آن در نگاره (۴) نشان داده شده است.

نگاره ۵. کیفیت گزارشگری مالی

گروه‌های	تعداد	آلفا = ۰/۰۵
رشد	۸۴	۰/۲۹۸۵
افول	۵۹۵	۰/۳۰۷۳
بلوغ	۱۴۹	۰/۴۹۹۶
Sig.		۰/۱۵۴

Tukey HSD^{a,b}

نگاره ۶. توانایی مدیریتی

گروه‌های	تعداد	آلفا = ۰/۰۵
رشد	۸۴	-۰/۰۳۶۳
افول	۵۹۵	-۰/۰۰۶۷
بلوغ	۱۴۹	۰/۰۴۷۳
Sig.		۰/۷۵۲

Tukey HSD^{a,b}

در نگاره (۴)، تفاوت‌های معنادار با علامت * مشخص می‌گردد. علاوه بر آن، در ستون Sig، چنانچه مقدار Sig کوچکتر از ۰/۰۵ سطح اهمیت باشد، می‌توان نتیجه گرفت که آن دو گروه تفاوت معناداری باهم دارند؛ ولی با توجه به دو ستون مذکور می‌توان نتیجه گرفت که هیچ یک از گروه‌های دوتایی فوق، در هر دو روش LSD و Tukey تفاوت معناداری با

روش تصادفی برای رفع خودهمبستگی بین متغیرها استفاده می‌گردد.

۳. آزمون هم‌خطی بین متغیرهای مستقل

در پژوهش حاضر برای بررسی هم‌خطی بین متغیرهای مستقل از آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل استفاده خواهد شد. برای پذیرش عدم هم‌خطی بین متغیرهای مستقل، باید همبستگی معنادار شدیدی بین متغیرهای مستقل وجود نداشته باشد. نتایج آزمون هم‌خطی بین متغیرهای مستقل در نگاره زیر نشان داده شده است:

نگاره ۹. آزمون هم‌خطی بین متغیرها

NOACC	PROF	GROP	CAIN	FL	FS	ABILITY	
						۱	همبستگی
						---	میزان احتمال
					۱	-۰/۰۹۶۸۲۶	همبستگی
					---	۰/۰۰۵۳۰۰	میزان احتمال
				۱	۰/۰۸۸۵۳۴	۰/۰۴۱۵۸۶	همبستگی
				---	۰/۰۱۰۸۰۰	۰/۲۳۲۰۰۰	میزان احتمال
			۱	-۰/۱۲۶۹۳۵	-۰/۱۲۰۱۰۶	-۰/۱۶۱۷۲۰	همبستگی
			---	۰/۰۰۰۳۰۰	۰/۰۰۰۵۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	میزان احتمال
		۱	۰/۱۶۴۲۹۷	۰/۰۸۲۶۷۵	-۰/۲۰۵۰۱۴	۰/۰۳۴۷۸۲	همبستگی
			۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۱۷۳۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۳۱۷۵۰۰	میزان احتمال
	۱	۰/۰۹۹۴۸۳	۰/۱۹۱۴۱۱	-۰/۳۶۳۴۲۰	-۰/۰۴۶۸۶۸	-۰/۰۱۶۲۴۷	همبستگی
		۰/۰۰۰۴۲۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۱۷۷۹۰۰	۰/۶۴۰۶۰۰	میزان احتمال
۱	-۰/۴۲۷۲۸۰	-۰/۰۴۱۳۴۹	۰/۰۳۶۰۷۹	۰/۱۴۴۲۳۱	۰/۱۹۸۹۵۷	-۰/۱۱۴۰۳۲	همبستگی
---	۰/۲۱۹۴۰۰	۰/۲۳۴۶۰۰	۰/۲۹۹۸۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۱۰۰۰	میزان احتمال

واحد باشند، در این صورت آزمون‌های T و F معمول از اعتبار لازم برخوردار نخواهند بود و رگرسیون به‌دست آمده رگرسیون کاذب خواهد بود. نتایج آزمون پایایی لیون، لین و چوی برای تک تک متغیرها در نگاره (۱۰) زیر ارائه شده است. از آنجایی که میزان P-Value به‌دست آمده برای تک تک متغیرها به‌غیر از محافظه‌کاری کمتر از ۵٪ ضریب احتمال است، بنابراین، نتایج آزمون لیون، لین و چوی نشان‌دهنده پایایی تمام متغیرهای مدل رگرسیون

با توجه به نتایج آزمون F و ضرایب احتمال آزمون‌های فوق می‌توان بیان نمود از آنجایی که آماره آزمون از مقدار بحرانی (۵٪) کوچک‌تر است، بنابراین، فرض صفر مبنی بر عدم وجود خودهمبستگی رد خواهد شد، به عبارت دیگر در این حالت خودهمبستگی وجود دارد. بنابراین، برای رفع خودهمبستگی بین متغیرها، اگر مدل اثرها ثابت (Fix) باشد، از پارامترهای (AR₁) یا (AR₂) هر کدام که بهتر بتوانند پارامترهای مدل دارای اثرهای ثابت را تخمین بزنند، استفاده می‌گردد؛ ولی چنانچه مدل اثرها تصادفی باشد، از

با توجه به ضرایب احتمال و میزان همبستگی بین متغیرهای مستقل در نگاره فوق می‌توان نتیجه گرفت که همبستگی معنادار شدیدی بین متغیرهای مستقل وجود ندارد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که هم‌خطی بین متغیرهای مستقل وجود ندارد.

۴. آزمون پایایی لیون، لین و چوی (LLC)

به‌کارگیری روش‌های معمول اقتصادسنجی در برآورد مدل بر این فرض استوار است که متغیرهای مدل پایا هستند. اگر متغیرهای مدل ناپایا یا دارای ریشه

۶. انتخاب نوع مدل از طریق آزمون F لیمر

پس از تأیید پایایی متغیرهای پژوهش در مراحل قبل، به انتخاب نوع مدل از طریق آزمون F لیمر پرداخته می‌شود. در واقع، آزمون F لیمر مشخص می‌کند که مدل مورد استفاده تلفیقی (Panel) است یا ترکیبی (Pooled). چنانچه آماره Cross-Section F کمتر از ۰.۵٪ سطح معناداری باشد، نوع مدل انتخابی تلفیقی (Panel) و چنانچه بیشتر از ۰.۵٪ سطح معناداری باشد، نوع مدل انتخابی ترکیبی (Pooled) خواهد بود. نتایج آزمون F لیمر به شرح زیر است:

نگاره ۱۲. آزمون F لیمر

آزمون	آماره	ضریب احتمال
Cross-Section F	۸/۴۶۸۶۰۱	۰/۰۰۰
Cross-Section Chi-Square	۵۹۷/۲۴۳۳۷۰	۰/۰۰۰

از آنجایی که میزان P-Value به دست آمده کمتر از ۰.۵٪ ضریب احتمال است، بنابراین، نتایج آزمون F لیمر، نشان‌دهنده انتخاب مدل تلفیقی (Panel) است. لذا از آنجایی که مدل تلفیقی (Panel) انتخاب گردید، باید در مرحله بعد، از طریق آزمون هاسمن، الگوی مناسب؛ یعنی اثرهای ثابت (FEM) یا اثرهای تصادفی (REM) انتخاب گردد.

۷. انتخاب الگوی مناسب از طریق آزمون هاسمن

چنانچه در مرحله قبل، نتایج آزمون F لیمر نشان‌دهنده استفاده از مدل تلفیقی (Panel) باشد، باید از طریق آزمون هاسمن الگوی مناسب انتخاب گردد. چنانچه آماره Cross-Section Random کمتر از ۰.۵٪ سطح معناداری باشد، الگوی اثرهای ثابت (FEM) و چنانچه بیشتر از ۰.۵٪ سطح معناداری باشد، الگوی اثرهای تصادفی (REM) انتخاب می‌گردد. نتایج آزمون هاسمن به شرح زیر است:

به غیر از محافظه‌کاری (NOACC) است که به منظور بررسی پایایی بلندمدت این متغیر در ادامه از آزمون هم‌انباشتگی کائو استفاده می‌شود.

نگاره ۱۰. آزمون پایایی لیون، لین و چو

متغیرها	آماره F	P (Value)
Ability	-۳۲/۳۲۱۶	۰۰۰/۰
FRQ	-۵/۵۴۱۵	۰۰۰/۰
FS	-۷/۳۴۰۴۵	۰۰۰/۰
FL	-۱۱/۸۶۱۳	۰۰۰/۰
CAIN	-۹/۱۴۶۹	۰۰۰/۰
GROP	-۸/۲۴۱۱	۰۰۰/۰
PROF	-۷/۴۶۵۲۸	۰۰۰/۰
NOACC	۳/۸۷۶۵۲	۹۹۹۹/۰

۵. آزمون هم‌انباشتگی (پایایی بلندمدت) کائو

برای بررسی وجود یا عدم رابطه بلندمدت بین متغیرهای مدل از آزمون هم‌انباشتگی کائو^۱ استفاده شد. شایان ذکر است، از آنجایی که در این پژوهش در آزمون‌های مربوط به داده‌های پانلی، مدل اولیه رگرسیون خطی بدون در نظر گرفتن چرخه‌های عمر شرکت استفاده می‌شود و مدل اولیه رگرسیون خطی نیز در هر سه فرضیه یکی است، بنابراین برای آزمون هم‌انباشتگی کائو مدل اولیه رگرسیون خطی آزمون می‌شود، که نتایج آن به شرح زیر است:

نگاره ۱۱. آزمون پایایی بلندمدت کائو

آزمون	آماره t	ضریب احتمال
آزمون ADF	۲/۳۲۲۸۱۴	۰/۰۱۰۱

از آنجایی که میزان P-Value به دست آمده کمتر از ۰.۵٪ ضریب احتمال است، بنابراین، نتایج آزمون پایایی بلندمدت کائو نشان‌دهنده پایایی بلندمدت متغیرهاست. بنابراین، مشکلی در استفاده از رگرسیون وجود ندارد. در ادامه آزمون F لیمر برای انتخاب مدل Pooled یا Panel اجرا می‌گردد.

^۱ Kao

AR(1) استفاده گردید. با توجه به آماره دوربین - واتسون که مابین ۱/۵ و ۲/۵ است، می‌توان بیان نمود که مشکل خودهمبستگی بین متغیرها رفع شده است. با توجه به میزان ضریب تعیین، می‌توان بیان نمود که حدود ۳۹٪ از تغییرات متغیر وابسته (کیفیت گزارشگری مالی) تحت کنترل متغیرهای مستقل و کنترلی پژوهش است. همچنین، با توجه به ضریب احتمال آماره t می‌توان بیان نمود، هرچند که تأثیر توانایی مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها از نظر آماری معنادار است؛ ولی تأثیر آن بسیار ضعیف است. همچنین، از بین متغیرهای کنترلی اندازه شرکت تأثیر مثبت ۱.۵ درصدی، اهرم مالی تأثیر منفی ۳ درصدی و سرمایه‌بری شرکت‌ها تأثیر مثبت ۷ درصدی و سودآوری تأثیر منفی ۱۰ درصدی معنادار بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها دارند.

نگاره ۱۴. نتایج مدل اولیه رگرسیون

متغیر وابسته: FRQ	ارزش احتمال: ۰.۹۵	ضریب اهمیت: ۰.۵
Method: Panel EGLS (Cross-section weights)		
ضریب احتمال	آماره t	متغیرها
۰/۰۴۷۵	۱/۹۰۳۱	ABILITY
۰/۰۱۵۲	۲/۴۳۴۸	FS
۰/۰۴۱۶	-۲/۰۴۲۱	FL
۰/۰۰۰۰	۴/۱۲۷۶	CAIN
۰/۳۱۹۷	-۰/۹۹۵۹	GROP
۰/۰۰۰۰	-۴/۵۰۹۹	PROF
۰/۲۵۲۴	۱/۱۴۵۵	NOACC
۰/۰۸۹۰	۱/۷۰۳۴	C
۰/۰۰۴۶	-۲/۸۴۵۵	AR(1)
۴/۱۳۳۸	F-statistic	R-squared
۰/۰۰۰۰۰	Prob(F-statistic)	Adjusted R-squared
		Durbin-Watson stat
		۲/۰۸۴۵۵

$$FRQ_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 Ability_{i,t} + \beta_2 FS_{i,t} + \beta_3 FL_{i,t} + \beta_4 CAIN_{i,t} + \beta_5 GROP_{i,t} + \beta_6 PROF_{i,t} + \beta_7 NOACC_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

$$FRQ_{i,t} = 0/1604 + 0/0028 Ability_{i,t} + 0/0168 FS_{i,t} - 0/0303 FL_{i,t} + 0/0685 CAIN_{i,t} - 0/1048 PROF_{i,t} - 0/1322 + \varepsilon_{i,t}$$

آنجایی که ضریب احتمال آماره F کمتر از ۰.۵ است، لذا مدل کلی رگرسیون معنادار است. از سویی دیگر، نظر به این‌که در آزمون خودهمبستگی طبق نگاره (۸)،

نگاره ۱۳. آزمون هاسمن

آزمون	آماره	ضریب احتمال
Cross-Section Random	۷۶/۴۰۹۹۳۳	۰/۰۰۰

از آنجایی که میزان P-Value به دست آمده کمتر از ۰.۵ ضریب احتمال است، بنابراین، نتایج آزمون هاسمن، نشان‌دهنده انتخاب الگوی اثرهای ثابت است.

مدل اولیه رگرسیون بدون در نظر گرفتن اثرهای چرخه عمر

با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون مدل اولیه رگرسیون که در نگاره زیر نشان داده شده است، از آنجایی که ضریب احتمال آماره F کمتر از ۰.۵ است، لذا مدل کلی رگرسیون معنادار است. از سویی دیگر، از آنجایی که در آزمون خودهمبستگی طبق نگاره (۸)، خودهمبستگی بین متغیرها تأیید شده بود، و با توجه به این‌که طبق نگاره (۱۳)، الگوی اثرهای ثابت پذیرفته شده بود، لذا برای رفع خودهمبستگی بین متغیرها از

مدل نهایی رگرسیون با در نظر گرفتن اثرهای چرخه عمر با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون مدل نهایی رگرسیون که در نگاره زیر نشان داده شده است، از

بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر کیفیت گزارشگری مالی در طول چرخه عمر شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس ... ۱۱۳/

خودهمبستگی بین متغیرها تأیید شده بود، و با توجه به این‌که طبق نگاره (۱۳)، الگوی اثرهای ثابت پذیرفته‌شده بود، لذا برای رفع خودهمبستگی بین متغیرها از AR(1) استفاده گردید.

با توجه به آماره دوربین - واتسون که مابین ۱/۵ و ۲/۵ است، می‌توان بیان کرد که مشکل خودهمبستگی

نگاره ۱۵. نتایج مدل نهایی رگرسیون

متغیر وابسته: FRQ	ارزش احتمال: ۹۵٪	ضریب اهمیت: ۵٪	
Method: Panel EGLS (Cross-section weights)			
ضریب احتمال	آماره t	ضرایب	متغیرها
۰/۲۹۹۴	-۰/۰۳۸۵	-۰/۰۱۵۰	D ₁ ABILITY
۰/۰۱۱۹	۲/۵۲۱۱	۰/۰۲۲۳	D ₁ FS
۰/۰۳۵۴	-۲/۱۰۸۲	-۰/۰۵۱۴	D ₁ FL
۰/۹۰۳۹	-۰/۱۲۰۸	-۰/۰۰۵۳	D ₁ CAIN
۰/۰۰۰۰	-۴/۵۳۵۰	-۰/۰۰۰۸	D ₁ GROP
۰/۱۱۷۹	-۱/۵۶۵۹	-۰/۱۰۱۸	D ₁ PROF
۰/۴۵۳۲	-۰/۷۵۰۶	۰/۰۰۰۰	D ₁ NOACC
۰/۸۳۲۶	-۰/۲۱۱۵	-۰/۰۰۰۵	D ₂ ABILITY
۰/۰۲۸۳	۲/۱۹۸۷	۰/۰۱۹۹	D ₂ FS
۰/۱۵۸۸	-۱/۴۱۱۰	-۰/۰۳۶۴	D ₂ FL
۰/۰۰۷۸	۲/۶۷۰۰	۰/۰۷۹۸	D ₂ CAIN
۰/۴۱۳۰	-۰/۸۱۹۳	-۰/۰۰۰۱	D ₂ GROP
۰/۰۰۰۱	-۳/۸۴۴۵	-۰/۰۹۵۸	D ₂ PROF
۰/۰۰۰۷	۳/۴۰۰۹	۰/۰۰۰۰	D ₂ NOACC
۰/۰۲۷۵	۲/۲۰۹۷	۰/۰۱۲۱	D ₃ ABILITY
۰/۰۲۱۱	۲/۳۱۱۷	۰/۰۲۲۷	D ₃ FS
۰/۷۷۹۵	۰/۲۸۰۱	۰/۰۱۲۰	D ₃ FL
۰/۹۴۷۶	۰/۰۶۵۷	۰/۰۰۲۱	D ₃ CAIN
۰/۰۴۸۸	-۱/۹۷۴۰	-۰/۰۰۰۴	D ₃ GROP
۰/۰۰۰۰	-۴/۱۳۷۴	-۰/۱۵۵۲	D ₃ PROF
۰/۰۰۴۴	-۲/۸۶۰۰	۰/۰۰۰۰	D ₃ NOACC
۰/۳۸۸۱	۰/۸۶۳۷	۰/۱۰۷۱	C
۰/۰۷۵۱	-۱/۷۸۳۱	-۰/۱۰۳۶	AR(1)
۳/۹۹۰۹	F-statistic	۰/۴۲۰۳	R-squared
۰/۰۰۰۰	Prob(F-statistic)	۰/۳۱۵۰	Adjusted R-squared
		۲/۱۱۸۰	Durbin-Watson stat

در دوره رشد توانایی مدیریتی تأثیر معناداری بر روی کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها ندارد. لذا

همچنین، با توجه به ضریب احتمال آماره t می‌توان بیان نمود که:

دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۳؛ لیوز و مکوی، ۲۰۱۲؛ جی و همکاران، ۲۰۱۱؛ دایرنگ و همکاران، ۲۰۱۰)، در پژوهش حاضر نیز تأثیر متغیرهایی همچون: توانایی مدیریتی، اندازه شرکت، اهرم مالی، حاشیه سودآوری، سرمایه‌بری شرکت، فرصت‌های رشد و محافظه‌کاری مدیریت بر روی کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ارزیابی شد که نتایج آن، همان‌طور که در بخش‌های قبلی به تفصیل تشریح شد، نشان داد که اولاً در طی چرخه‌های مختلف عمر شرکت، توانایی‌های مدیریتی و کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها تفاوت معناداری با هم ندارند؛ یعنی چرخه‌های مختلف عمر شرکت‌ها به استفاده از مدیران با توانایی‌های متفاوت منجر نمی‌گردد.

همچنین، چرخه‌های مختلف عمر شرکت‌ها انگیزه‌ای برای ارائه گزارش‌های مالی با کیفیت‌های مختلف ایجاد نمی‌کند.

ثانیاً نتایج نشان داد که تنها در دوره افول، توانایی مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر مثبت معناداری دارد که این امر شاید به این علت صورت گیرد که در این مرحله واحد تجاری از نظر مالی درهم ریخته و بی‌نظم است و کسی اطلاع کاملی از آنچه باید انجام شود، ندارد. همچنین، نقصان انعطاف‌پذیری که از مرحله تکامل شروع شده بود، گسترش می‌یابد، در نتیجه از قابلیت اجرا و حصول نتایج نیز کاسته می‌شود. به تدریج که از سودمندی سازمان در بهره‌گیری از فرصت‌های بلندمدت کم می‌شود، قابلیت واکنش در برابر نیازهای کوتاه مدت نیز از دست می‌رود. دنبال کردن اهداف کوتاه مدت با کسب نتایج نسبتاً مطمئن و خط مشی میانه روی در تصمیم‌گیری‌ها آشکار می‌شود. واحدهای تجاری در

فرضیه سوم مبنی بر تأثیر معنادار توانایی مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها در دوره رشد تأیید نمی‌شود.

از بین متغیرهای کنترلی نیز اندازه شرکت تأثیر مثبت ۲ درصدی، اهرم مالی تأثیر منفی ۵ درصدی و فرصت‌های رشد تأثیر منفی بسیار ضعیف نزدیک به صفر بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها دارند.

در دوره بلوغ توانایی مدیریتی تأثیر معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها ندارد. لذا فرضیه چهارم مبنی بر تأثیر معنادار توانایی مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها در دوره بلوغ تأیید نمی‌شود. از بین متغیرهای کنترلی نیز اندازه شرکت تأثیر مثبت ۲ درصدی، سرمایه‌بری تأثیر مثبت ۸ درصدی، حاشیه سودآوری تأثیر منفی ۹ درصدی و محافظه‌کاری تأثیر مثبت بسیار ضعیف نزدیک به صفر معنادار بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها دارند.

در دوره افول توانایی مدیریتی تأثیر معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها دارد. لذا فرضیه پنجم مبنی بر تأثیر معنادار توانایی مدیریتی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها در دوره افول تأیید می‌شود؛ ولی تأثیر آن بسیار ضعیف است.

از متغیرهای کنترلی، اندازه شرکت تأثیر مثبت ۲ درصدی، فرصت‌های رشد تأثیر منفی بسیار ضعیف نزدیک به صفر، حاشیه سودآوری تأثیر منفی ۱۵/۵ درصدی و محافظه‌کاری تأثیر مثبت نزدیک به صفر معنادار بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها دارند.

تفسیر نتایج و نتیجه‌گیری

در راستای پژوهش‌های قبلی صورت گرفته در سایر نقاط جهان که به برخی از آن‌ها در بخش ادبیات پژوهش اشاره شد (آندرنو و همکاران، ۲۰۱۳؛

افزایش میزان سودآوری شرکت‌ها، کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها کاهش می‌یابد. این بدان معناست که به موازات افزایش سودآوری شرکت‌ها، مدیران در راستای دستیابی به اهداف خاص خود، اقدام به مدیریت یا دستکاری سود می‌نمایند که این امر به نوبه خود به کاهش کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها منجر می‌گردد.

تأثیر مثبت محافظه‌کاری مدیریت: نتایج نشان داد که در دوره بلوغ و افول، محافظه‌کاری مدیریت تأثیر مثبت بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها دارد؛ یعنی با افزایش میزان محافظه‌کاری مدیریت، کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها نیز افزایش می‌یابد. این بدان معناست که مطابق با مبانی نظری گزارشگری مالی، محافظه‌کاری مدیران در تهیه گزارش‌های مالی به افزایش کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها منجر خواهد شد.

تأثیر مثبت اندازه شرکت: نتایج نشان داد که در هر سه دوره رشد، بلوغ و افول، اندازه شرکت تأثیر مثبت بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها دارد؛ یعنی به موازات بزرگ‌تر شدن شرکت‌ها، کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها نیز افزایش می‌یابد. این بدان معناست که شرکت‌های بزرگ‌تر که دارای امکانات، نیروی انسانی و منابع مالی بیشتری هستند، تمرکز بیشتری بر روی کیفیت گزارشگری مالی خود معطوف می‌کنند.

تطبیق نتایج

دمرجیان و دیگران (۲۰۰۶) به این نتیجه دست یافتند که کیفیت سود (میزان ارتباط اقلام تعهدی با جریان‌های نقدی) با افزایش توانایی مدیریتی بهبود می‌یابد [۱۷]. حال، چنانچه کیفیت سود به عنوان

مرحله افول، عمدتاً سعی در افزایش سود از طریق درآمد فروش دارند، نه از طریق حذف هزینه‌ها. البته، در صورتی که واقعاً مجبور به کاهش هزینه باشند، آن هم در حد بسیار کم، اقدام به کاهش هزینه می‌نمایند. افزایش قیمت‌ها در شرایطی که سهم بازار در حال کاهش است، مانند پاشیدن بنزین روی آتش است.

چنین عملی فقط شتاب حرکت را در لغزش به سمت دوره بعدی افول زیادتر می‌کند. واحدهای تجاری در این مرحله معمولاً محافظه‌کار و غیر قابل تغییرند؛ زیرا در داخل سازمان هیچ درخواستی در راستای حمایت از سرمایه‌گذاری وجود ندارد. از آنجا که تقاضای سرمایه‌گذاری و تبعاً نقدینگی در داخل ناچیز است، به دنبال پیدا کردن فرصت‌های رشد و سرمایه‌گذاری در داخل از واحد خود هستند. لذا در این دوران، شرکت‌ها برای مدیریت کارآمد منابع و مصارف خود، نیازمند مدیرانی با توانایی‌های مدیریتی بالا هستند که بتواند با مدیریت کارآمد خود شرکت را از این بحران نجات دهد. بنابراین، موارد فوق‌الذکر شاید بتوانند تأثیر توانایی مدیریتی بر روی کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره افول را توجیه نمایند.

تأثیر منفی اهرم مالی: نتایج نشان داد که در دوره رشد، اهرم مالی تأثیر منفی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها دارد؛ یعنی با افزایش اهرم مالی، کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها کاهش می‌یابد. این بدان معناست که مدیران شرکت‌هایی که دارای اهرم مالی بالا و به عبارتی دارای بدهی بالا هستند، تحت فشار مالی، توجهی به کیفیت گزارشگری مالی خود ندارند.

تأثیر منفی حاشیه سودآوری: نتایج نشان داد که در دوره بلوغ و افول، حاشیه سودآوری تأثیر منفی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها دارد؛ یعنی با

برخوردار است [۱۵]. نتایج پژوهش حاضر فقط در دوره بلوغ هم‌راستا با نتایج پژوهش فوق بوده؛ ولی در دوره رشد و افول مغایر با نتایج پژوهش کوهن (۲۰۰۴) است.

گراهام، هاروی و رج‌گوپال (۲۰۰۵) دریافتند شرکت‌هایی که در آستانه تخطی از شرایط قراردادها (دارای اهرم بالا یا غیرسودآور) هستند، اهمیت بیشتری به روش‌های حسابداری می‌دهند. آن‌ها همچنین نشان دادند که فرضیه اثرگذاری قراردادهای بدهی بر کیفیت اطلاعات مالی در شرکت‌های خصوصی به میزان قوی‌تری پشتیبانی می‌شود [۲۱].

کوهن (۲۰۰۴) به این نتیجه رسید، شرکت‌هایی که از اهرم بالاتری برخوردارند، با احتمال زیادی اطلاعات مالی را با کیفیت بالاتر ارائه می‌کنند [۱۵]. نتایج پژوهش حاضر در این خصوص، مغایر با نتایج هر دو پژوهش فوق است.

کوهن (۲۰۰۴) بین فرصت‌های رشد و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معناداری مشاهده نکرد [۱۵]. نتایج پژوهش فوق در هر سه دوره چرخه عمر مطابق با نتایج پژوهش فوق است.

مطالعات تجربی لنگ و لاند هولم (۱۹۹۳) نشان می‌دهد که عملکرد شرکت با کیفیت گزارشگری مالی و افشا رابطه مثبت دارد [۲۳]. پیوتراسکی (۲۰۰۳) به این نتیجه رسید که بالابودن حاشیه سودآوری موجب کاهش کیفیت گزارشگری مالی می‌شود [۲۴]. کوهن بین حاشیه سودآوری و کیفیت گزارشگری مالی رابطه منفی پیدا کرد [۱۵]. نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش لنگ و لاند هولم (۱۹۹۳) مغایر و با نتایج پژوهش پیوتراسکی (۲۰۰۳) و کوهن (۲۰۰۴) موافق است.

جزئی از کیفیت گزارشگری مالی در نظر گرفته شود، در این صورت می‌توان گفت که نتایج پژوهش حاضر فقط در دوره افول با نتایج پژوهش فوق هم‌راستا بوده و در چرخه‌های رشد و بلوغ مغایر با نتایج پژوهش فوق است.

پنمن و ژنگ (۲۰۰۲) به صورت تجربی نشان دادند که محافظه‌کاری در حسابداری به کاهش کیفیت گزارش‌های مالی منجر می‌شود. در این خصوص، نتایج پژوهش حاضر مغایر با نتایج پژوهش فوق است (فان، ژانگ، ۲۰۰۵) [۱۹].

کوهن (۲۰۰۴) بین اندازه شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه مثبت یافت [۱۵]. مایرز و اسکینر (۲۰۰۲) شواهد تجربی را به دست آوردند؛ مبنی بر این که شرکت‌های بزرگ، گزارش‌های مالی دقیق ارائه نمی‌دهند. نلسون و دیگران (۲۰۰۲) نشان می‌دهند که شرکت‌های بزرگ از قدرت چانه‌زنی بیشتری برخوردارند و حسابرسان با احتمال زیادی از پایین بودن کیفیت گزارش‌های مالی آن‌ها چشم‌پوشی می‌کنند (کیم و همکاران، ۲۰۰۳) [۲۲].

نوروش و دیگران (۱۳۸۵) بین اندازه شرکت و کیفیت ارقام تعهدی رابطه‌ای مشاهده نکردند [۱۰].

بنابراین، پژوهش حاضر هم‌راستا با پژوهش کوهن (۲۰۰۴) و مغایر با پژوهش‌های مایرز و اسکینر (۲۰۰۲)، نلسون و همکاران (۲۰۰۲) و نوروش و همکاران (۱۳۸۵) است.

کوهن (۲۰۰۴) بین سرمایه‌بر بودن فعالیت شرکت و کیفیت گزارشگری مالی رابطه مثبت مشاهده نمود و در تحلیل این رابطه بیان می‌کند که شرکت‌های سرمایه‌بر به دلیل وجود موانع ورود، از گزارش اطلاعات مالی دقیق و شفاف احساس نگرانی نمی‌کنند و گزارش‌های مالی آن‌ها از کیفیت بالاتری

حسابدار، سال بیست و سوم، ش ۲۰۶، صص ۶۳-۵۸.

۹- نوروش، ایرج. (۱۳۷۷). بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و تعداد حسابداران آموزش دیده در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ش ۲۴ و ۲۵، صص ۳۳-۸.

۱۰- نوروش، ایرج، ناظمی، امین و مهدی حیدری. (۱۳۸۵). کیفیت اقلام تعهدی و سود با تأکید بر نقش خطای برآوردی اقلام تعهدی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ش ۴۳، صص ۱۶۰-۱۳۵.

۱۱- نیکومرام، هاشم و یونس بادآور نهندی. (۱۳۸۸). تبیین و ارائه الگویی برای تعیین و ارزیابی عوامل مؤثر بر انتخاب کیفیت گزارشگری مالی در ایران، فراسوی مدیریت، ش ۸، صص ۱۸۷-۱۴۱.

12- Bamber, L. J. Jiang, & I.Wang. (2010). What's my style? The influence of top managers on voluntary corporate financial disclosure, *The Accounting Review*, Vol 85, No 4, Pp 1131-1162.

13- Barth, M. E., D., Cram, and K., Nelson. (2001). Accruals and the Prediction of Future Cash Flows, *The Accounting Review*, Vol 76, No 1, Pp 27-58.

14- Brett Cantrell, (2012), *Bank Managerial Ability and Accounting: Do Better Managers Report Higher Quality Loan Loss Reserves and Fair Values?*, McCombs School of Business, The University of Texas at Austin

15- Cohen, A. D., (2004), *Financial Reporting Quality Choice: Determinants and Consequences*, A Dissertation, Department of Accounting and Information Management, Kellogg School of Management, Northwestern University.

16- Demerjian, P., B. Lev, M. Lewis, and S. McVay. (2013). *Managerial ability and earnings quality*, *The Accounting Review*, Vol 88, No 2, Pp 463-498

17- Demerjian, P., B., Lev, and S., McVay. (2006). "Managerial Ability and Earnings

منابع

۱- آستا، سهراب و روح اله قیطاسی. (۱۳۹۱). اثر چرخه عمر واحد تجاری بر اقلام تعهدی اختیاری، *مجله پژوهش‌های حسابداری مالی*، سال چهارم، ش ۱، صص ۱۰۴-۸۹.

۲- برادران حسن‌زاده، رسول و یونس بادآور نهندی. (۱۳۸۸). ارزیابی کیفیت سودآوری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (مورد صنایع شیمیایی و دارویی)، *فصلنامه حسابداری مالی*، سال اول، ش ۸، صص ۱۵۸-۱۴۴.

۳- بولو، قاسم. (۱۳۸۶). *هزینه حقوق صاحبان سهام و ویژگی‌های سود*، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.

۴- رضایی، فرزین و هادی شفیعی دیزجی. (۱۳۹۲). بررسی روند تدریجی رابطه متغیرهای حسابداری و قیمت سهام در چرخه عمر شرکت: تحلیل بیز سلسله مراتبی، *مجله پژوهش‌های حسابداری مالی*، سال پنجم، ش ۲، صص ۱۲۶-۱۰۹.

۵- فرهی بوزنجانی، برزو. (۱۳۸۴). معرفی الگوی توسعه توانایی‌های مدیریتی مورد نیاز مدیران، *دانش مدیریت*، ش ۶۸، صص ۹۲-۷۳.

۶- کرمی، غلامرضا و حامد عمرانی. (۱۳۸۹). تأثیر چرخه عمر شرکت و محافظه‌کاری بر ارزش شرکت، *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ش ۵۹، صص ۹۶-۷۹.

۷- کرمی، غلامرضا و حامد عمرانی. (۱۳۸۹). تأثیر چرخه عمر شرکت بر میزان مربوط بودن معیارهای ریسک و عملکرد، *مجله پژوهش‌های حسابداری مالی*، سال دوم، ش ۳، صص ۶۴-۴۹.

۸- مهرانی، ساسان و مهدی محمدآبادی. (۱۳۸۸). روش‌های اندازه‌گیری محافظه‌کاری، *ماهنامه*

- 22- Kim, Y., C. Liu, and S. G., Rhee. (2003). "The Effects of Firm Size on Earnings Management," Working Paper, University of Hawaii
- 23- Mark Lang, Russell Lundholm. (1993). Cross-sectional Determinants of Analyst Rating of Corporate Disclosures, *Journal of Accounting Research*, Vol 31, No 2, Pp 246-271
- 24- Panayiotis C. Andreou, Daphna Ehrlich and Christodoulos Louca. (2013). *Managerial Ability and Firm Performance: Evidence from the Global Financial Crisis*, Preliminary and Incomplete. Available in: www.efmaefm.org. Pp 148-188.
- 25- Peter Demerjian, Melissa Lewis, Sarah McVay. (2012). *Managerial Ability and Earnings Management*, Available in: www.olin.wustl.edu. Pp 258-302.
- Quality", AAA Annual Meeting, University of Michigan
- 18- Dyreng, S., M. Hanlon and E. Maydew. (2010). The effects of executives on corporate tax avoidance, *The Accounting Review*, Vol 85, No 4, Pp 1163-1189.
- 19- Fan, Q., and X. Zhang. (2005). "Conservatism and Accounting Information Quality", Working Paper, University of California.
- 20- Ge, W., D. Matsumoto and J. Zhang. (2011). Do CFOs have style? An empirical investigation of the effect of individual CFOs on accounting practices, *Contemporary Accounting Research*, Vol 28, No 4, Pp 1141-1179.
- 21- Graham, R. J., C. R., Harvey, and S., Rajgopal. (2005). "The Economic Implications of Corporate Financial Reporting", *Journal of Accounting & Economics*, Vol 40, Pp 3-73.



Investigating the Effect of Management Ability on the Financial Reporting Quality during Life Cycle, of the Companies Listed Companies in Tehran Stock Exchange

***P. piri**

Assistant Professor in Accounting, Urmia University, Iran

H. Didar

Assistant Professor in Accounting, Urmia University, Iran

S. KHodayar Yeganeh

Master in Accounting, Urmia University, Iran

Abstract

In the present study, the effect of managerial ability on the financial reporting quality during life cycle of the companies listed companies in Tehran stock exchange is investigated. To test the research hypotheses, statistical sample of the studied population in 10 years' time domain from 2002 to 2012 is selected. After collecting required data, variables are calculated and finally, data analysis and hypotheses testing is performed using statistical software. Finally, the results of hypothesis testing indicate that in the growth stage, management ability has a relatively weak and direct impact on the financial reporting quality of sampled companies. However, the results indicate that on maturity and decline stage; companies' management abilities cannot lead to an increase in the companies reporting quality. Also the results indicate a positive effect of firm size, profit margins and management honesty and negative impact of financial leverage on the companies' financial reporting quality.

Keywords: Managerial Ability, Financial Reporting Quality, Life Cycle.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی